

اعتبارسنجی سندی و محتوایی روایات منقول درباره همت زنان

میثم کهن ترابی^۱

چکیده

در برخی منابع حدیثی و تفسیری روایاتی وجود دارد مبنی بر اینکه چون زن از مرد خلق شده است، همت زنان، معطوف به مردان و زینت و فساد در دنیاست. پژوهش حاضر با هدف اعتبارسنجی سندی و محتوایی این روایات به روش توصیفی- اسنادی و با بهره‌گیری از ابزار نقد سندی- متنی حدیث انجام شد. بدین منظور منابع اصلی مکتوب حدیثی و تاریخی در این موضوع بررسی شد و روایات مربوطه مورد کنکاش قرار گرفت. نتایج نشان داد که بیشتر روایات مطروحه در این مورد از نظر سندی به دلیل رفع سند و یا ضعف و مجهول بودن راویان جزو روایات ضعیف است. خلقت زن از مرد موضوعی است که با آیات قرآن و روایات، متناقض است و با آموزه‌های اسرائیلی مطابقت دارد. با بررسی منابع تاریخی این احتمال تقویت می‌شود روایتی که همت زنان را زینت طلبی و فساد معرفی کرده است، به شخص خاصی اشاره داشته که موجب برپایی جنگ جمل شده است. اگر این احتمال نادیده گرفته شود، به دلیل مغایرت آن با آموزه‌های قرآنی و روایی و مخالفت سیاق کلام با سخن معصوم(ع) بگونه‌ای که ذکر همت زنان در کنار همت درندگان و حیوانات از طرفی، و جدا کردن مؤمنان از صنف زنان از طرفی دیگر از معصوم(ع) استبعاد دارد، نمی‌توان آن را به ایشان منتسب کرد.

واژگان کلیدی: اعتبارسنجی، همت زنان، نقد حدیث، رکاکت معنوی، زینت طلبی،

فسادانگیزی

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۶ تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۱۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۲

۱. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه بزرگمهر قائنات، قائنات، ایران.

Email: Kohantorabi@buqaen.ac.ir

The Documentary-Content Validation of Narratives on Women's Effort

Meisam Kohan Torabi^۱

In some Hadith and interpretive sources, according to some narratives, because women were created from men, women's effort is focused on men and causes decoration and corruption in the world. The present study was conducted with the aim of the documentary-content validation of these narratives with a descriptive-documentary method applying a documentary-textual critique tool of Hadith; thus, the main related written sources about Hadith and history were reviewed, and the related narratives were examined. The results demonstrated that most of the related narratives are documentarily weak due to the elimination of documents, and/or the weakness and ignorance of the narrators. The women's creation from men is an issue that is contrary to the Quranic verses and narratives, and it is consistent with Israeli teachings. Reviewing the historical sources reinforces the probability that the narrative which considers women's effort as decoration and corruption points at a specific person who caused Jamal war. If this probability is ignored, it cannot be attributed to an innocent; because of its opposition to the Quranic and narrative teachings, and the opposition of its context to the innocents' speech, so that it is unlikely that the innocents mention women's effort alongside predators' and animals' effort, on the one hand, and separate believers from women, on the other hand.

Keywords: validation, women's effort, critique of Hadith, spiritual vulgar, decoration, corruption.

Paper Type: Research

Data Received: ۰۷/۱۰/۲۰۲۰ Data Revised: ۰۳/۰۳/۲۰۲۱ Data Accepted: ۱۲/۰۳/۲۰۲۱

^۱. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Islamic Law, Bozorgmehr University of Ghayen, Ghayen, Iran. Email: kohantorabi@buqaen.ac.ir

۱. مقدمه

در برخی از احادیث منقول در منابع حدیثی و تفسیری شیعه درباره ویژگی‌های زنان عباراتی وجود دارد که در آن سخن از هم و یا همّت زنان است. به عبارتی، در این روایات این موضوع که اهتمام زنان به چه چیزی معطوف است، مطرح شده است. در این روایات اهتمام زنان معطوف به مردان و یا زینت دنیا و حتی گاهی فساد معرفی شده است. براین اساس، مسئله محوری پژوهش حاضر این است که این روایات از چه اعتباری برخوردارند و بر فرض صحت صدور از معصوم (ع)، چه مفهومی دارند؟

شهید مطهری (۱۳۸۶) در کتاب نظام حقوق زن در اسلام درگفتار جایگاه ارزشی زن به برخی شبهات در مورد فروتری زنان پرداخته و بدان پاسخ داده است. آیت الله جوادی آملی (۱۳۸۹) نیز در کتاب زن در آئینه جلال و جمال به ویژه در بخش چهارم و پنجم کتاب، به بحث و بررسی اوصاف زنان پرداخته و برخی اوصاف ناصحیح را که به زنان داده شده است، مستدل پاسخ داده و رد می‌کند. پژوهش‌های صابریان (۱۳۸۳)، شاملی (۱۳۸۰) و کدخدایی (۱۳۹۵) نیز رسالتی مشابه منابع پیش گفته را دنبال کرده‌اند. رسولی راوندی (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان بررسی روایات امام علی (ع) در توصیف ویژگی‌های فردی زن، نقل موجود در خطبه ۱۵۳ نهج البلاغه را بررسی نموده است.

همانگونه که از بررسی آثار نگاشته شده حول موضوع مورد بحث پیداست، پژوهشی مستقل و مستوفی که به مقوله اعتبارسنجی این روایات بوسیله سنجش سندی و متنی آنها پردازد، انجام نشده است. از این رو، در پژوهش حاضر پس از نقل روایات مربوطه، با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای در بستر روشی توصیفی-اسنادی و با بهره‌گیری از ابزار نقد سندی-متنی حدیث و استفاده از اصول مصطلح الحدیثی و فقه الحدیثی، اعتبار، سبب صدور و حتی مفهوم احتمالی آن بر فرض صحت صدور، بررسی شد.

با توجه به وجود دیدگاهی نادرست و مخدوش برخی به جنسیت زن از گذشته تا کنون و احتمال نفوذ این دیدگاه در آموزه‌های دینی، ضرورت دارد پژوهش‌هایی علمی روایاتی که به این مقوله می‌پردازند بررسی نماید. وجود روایات متعدد در منابع حدیثی که در آن امام معصوم (ع) به تصحیح دیدگاه صحابه خویش می‌پرداختند، گواهی بر

این ادعاست. برای نمونه روایات زیادی وجود دارد که شخصی از دختردار شدن مغموم بوده و امام (ع) نهایت تلاش خود را برای اصلاح نگاه به دختران و زنان در قالب سخنانی انجام داده است. مجموعه‌ای از این روایات را شیخ حر عاملی در *وسائل الشیعه* جمع آوری کرده است (حرعاملی، ۱۳۶۲، ۳۶۱/۲۱-۳۷۱).

دیگر عاملی که به انجام این پژوهش‌ها ضرورت بخشیده، نفوذ اسرائیلیاتی در مورد زنان، خلقت ایشان و اوصافشان است که وارد منابع روایی فریقین شده است. نمونه بارز آن آفرینش حوا از دنده چپ آدم، شر بودن زن و... است که در منابع حدیثی به چشم می‌خورد. بنابراین، ضروری و مهم است که این روایات در بستری علمی و با عرضه به قرآن و روایات معتبر و سیره اهل بیت (ع) مورد اعتبارسنجی و مفهوم‌شناسی قرار گیرد. در پژوهش حاضر تمامی روایاتی که در منابع متقدم در وصف زنان و درباره اهتمامشان نقل شده ذکر شده و سپس با بهره‌گیری از ابزارهای سنجش و فهم حدیث اعتبارسنجی گردیده است.

۲. چارچوب نظری پژوهش؛ روایات منقول در منابع حدیثی در مورد همت زنان

در تفسیر عیاشی از امام صادق (ع) نقل شده است:

عن أبي علي الواسطي قال: قال أبو عبد الله ع إن الله خلق آدم من الماء و الطين - فهمة ابن آدم في الماء و الطين، و إن الله خلق حواء من آدم فهمة النساء الرجال فحصنوهن في البيوت.

امام صادق (ع) فرمود: بدرستی خداوند آدم را از آب و گل خلق کرد پس همت فرزندان آدم در آب و گل است و همانا خداوند حوا را از آدم آفرید. پس مردان، همت زنان هستند، بنابراین زنان را در خانه‌ها نگاه دارید. (عیاشی، ۱۳۸۰هـ.ق، ۱/۲۱۵)

کلینی در فروع کافی چند حدیث در این ارتباط نقل کرده است. حدیث اول در کتاب المعیشه است که در بخشی از یک روایت نسبتاً طولانی از حضرت علی (ع) چنین آمده است:

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ جُمهُورٍ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ
كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع كَثِيرًا مَا يَقُولُ: ... أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ السَّبَاعَ هَمَّتْهَا التَّعَدَّى

وَ إِنَّ الْبَهَائِمَ هَمَّتْهَا بَطُونُهَا وَ إِنَّ النَّسَاءَ هَمَّتْهُنَّ الرَّجَالُ وَ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ مُشْفِقُونَ خَائِفُونَ وَ جِلُونَ جَعَلْنَا اللَّهَ وَ إِيَّاكُمْ مِنْهُمْ.

ای مردم! براستی که همت درندگان، تجاوز کردن است و همت چهارپایان شکمشان و همت زنان، مردان و همانا مؤمنان خداوند را بزرگ دانسته و از او می‌هراسند. خداوند ما و شما را از زمره آنان قرار دهد. (کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ۵/۸۱-۸۲)

سپس چهار روایت در کتاب النکاح نقل کرده که عبارتند از:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي بَانَ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَيَابَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ حَوَاءَ مِنْ آدَمَ فَهَمَّتُ النَّسَاءَ الرَّجَالُ فَحَصَّنُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ.

امام صادق (ع) فرمود: خداوند حوا را از آدم خلق کرد پس همت زنان، مردان هستند. از این رو، زنان را در خانه‌ها نگاه دارید. (کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ۵/۳۷)

أَبَانُ عَنِ الْوَاسِطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ ع مِنَ الْمَاءِ وَ الطَّيْنِ فَهَمَّتْ أَبْنُ آدَمَ فِي الْمَاءِ وَ الطَّيْنِ وَ خَلَقَ حَوَاءَ مِنْ آدَمَ فَهَمَّتُ النَّسَاءَ فِي الرَّجَالِ فَحَصَّنُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ.

امام صادق (ع) فرمود: بدرستی خداوند آدم را از آب و گل خلق کرد، پس همت فرزند آدم در آب و گل است و همانا خداوند حوا را از آدم آفرید، پس مردان، همت زنان هستند. بنابراین، زنان را در خانه‌ها نگاه دارید. (کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ۵/۳۷)

روایت فوق با تفاوت بسیار اندکی، همان روایت نقل شده در تفسیر عیاشی است که توسط واسطی نقل شده است.

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ جُمُهورٍ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي بَعْضِ كَلَامِهِ إِنَّ السَّبَاعَ هَمَّتْهَا بَطُونُهَا وَ إِنَّ النَّسَاءَ هَمَّتْهُنَّ الرَّجَالُ.

امام علی (ع) در قسمتی از کلامشان فرمود: همت درندگان شکمپایشان و همت زنان، مردان است. (کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ۵/۳۷)

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع خُلِقَ الرَّجَالُ مِنَ الْأَرْضِ وَإِنَّمَا هَمَّهُمْ فِي الْأَرْضِ وَخُلِقَتِ الْمَرْأَةُ مِنَ الرَّجَالِ وَإِنَّمَا هَمُّهَا فِي الرَّجَالِ أَحْبَسُوا نِسَاءَكُمْ يَا مَعْاشِرَ الرَّجَالِ.

امام صادق (ع) فرمود که علی (ع) فرموده است: مردان از زمین (خاک) خلق شده‌اند و تنها همتشان در زمین است و زنان از مردان خلق شده‌اند و جز این نیست که همتشان معطوف به مردان است. زنان را حبس کنید ای مردان! (کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ۵/۳۷)

شیخ صدوق در علل الشرائع در عنوانی به نام «علتی که به خاطر آن همت زنان معطوف مردان شده» از امام صادق (ع) روایتی را به عنوان تنها روایت موجود در ذیل این عنوان نقل می‌کند:

أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَزَّازِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الْمَرْأَةَ خُلِقَتْ مِنَ الرَّجُلِ وَإِنَّمَا هَمَّتْهَا فِي الرَّجَالِ فَاحْبَسُوا نِسَاءَكُمْ وَإِنَّ الرَّجُلَ خُلِقَ مِنَ الْأَرْضِ وَإِنَّمَا هِمَّتُهُ فِي الْأَرْضِ.

امام صادق (ع) فرمود: به درستی که زن از مرد خلق شده و فقط همتش، معطوف به مردان است پس زنان را حبس کنید و همانا مرد از زمین آفریده شده و تنها همتش معطوف به زمین است. (صدوق، ۱۳۸۵، ۲/۴۹۸)

سیدرضی در خطبه ۱۵۳ نهج البلاغه به نقل از امیرالمومنین (ع) آورده است:

إِنَّ الْبَهَائِمَ هَمُّهَا بَطُونُهَا وَإِنَّ السَّبَاعَ هَمُّهَا الْعُدْوَانُ عَلَى غَيْرِهَا وَإِنَّ النِّسَاءَ هَمُّهُنَّ زِينَةُ الدُّنْيَا وَالْفَسَادُ فِيهَا إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ مُسْتَكِينُونَ وَإِنَّ الْمُؤْمِنِينَ مُشْفِقُونَ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ خَائِفُونَ.

همانا تمام حیوانات در تلاش پر کردن شکمند، و درندگان در پی تجاوز کردن به دیگران، و زنان تمام همتشان آرایش زندگی و فساد انگیزی در آن است، اما مؤمنان فروتنند، همانا مؤمنان مهربانند، همانا مؤمنان از آینده ترسانند. (سیدرضی، ۱۴۱۴هـ.ق، خطبه ۱۵۳)

قریب به همین عبارات در خطبه‌ای از امیرالمؤمنین (ع) که در تحف‌العقول نقل شده، آمده‌است:

إِنَّ الْبَهَائِمَ هُمُّهَا بَطُونُهَا وَإِنَّ السَّبَاعَ هُمُّهَا التَّعَدَّى وَالظُّلْمَ وَإِنَّ النِّسَاءَ
هُمُّهُنَّ زِينَةَ الدُّنْيَا وَالْفَسَادُ فِيهَا وَإِنَّ الْمُؤْمِنِينَ مُشْفِقُونَ مُسْتَكِينُونَ خَائِفُونَ.
(ابن‌شعبه‌حرانی، ۱۴۰۴هـ.ق)

مؤلف کتاب قصص الانبیاء روایتی که پیرامون کیفیت خلقت آدم از امام صادق (ع) نقل شده را ذکر کرده‌است:

وَبِالْإِسْنَادِ الْمَتَّقِمِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ ابْنِ
أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ
ع قَالَ: ... وَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ آدَمَ مِنَ الطِّينِ وَخَلَقَ حَوَاءَ مِنْ آدَمَ
فَهَمُّهُ الرِّجَالِ الْأَرْضُ وَهَمُّ النِّسَاءِ الرِّجَالُ. (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹هـ.ق)

موارد فوق‌الذکر در منابع متقدم نقل شده و هر کدام سند یا متن منحصر به فرد خود را داراست. آنچه در منابع پس از این کتب آمده، برگرفته از همین منابع است و به همین سبب از ذکر مجدد آن در پژوهش حاضر پرهیز شده‌است. با عنایت به مسئله‌محوری این پژوهش، جهت اعتبارسنجی روایاتی که ذکر شد، هم از منظر سندی و هم متنی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. اعتبارسنجی روایات؛ بررسی سندی روایات ذکر شده در مورد همّت زنان

اولین گام برای سنجش اعتبار روایات، بررسی آن از منظر سندی و رجالی است. در این بخش سعی شده‌است اسناد روایات منقول ذکر شده، بررسی و تمامی رجال حاضر در سلسله اسناد اجمالاً از منظر وثاقت سنجیده شوند.

سند اول مربوط به روایت ذکر شده از تفسیر عیاشی است. این سند ناقص است و دیگر افراد سلسله سند ذکر نشده‌اند. از طرفی، ابوعلی واسطی مجهول است و از او اطلاعات رجالی در دست نیست؛ جز آنکه تنها در کتاب معجم‌الرجال طریقی که او در آن وجود دارد، ذکر شده و توصیفی پیرامون وثاقت و یا ضعف او مطرح نشده‌است (خوئی، ۱۳۷۲، ۲۲/۲۷۷). بنابراین، آن حدیث ضعیف‌السند است.

روایتی که کلینی در کتاب المعیشه از امیرالمؤمنین (ع) نقل کرده نیز به دو دلیل ضعیف است؛ نخست اینکه همانگونه که در متن سند نیز آمده است، پدر ابن جمهور روایت را به صورت مرفوع از امام صادق (ع) نقل کرده است و روایت مرفوع در زمره روایات ضعیف قرار دارد. دوم اینکه وجود خود محمدبن جمهورالعمی در سلسله سند روایت است. چراکه به اتفاق تمامی رجالیون متقدم، وی شخصی غیر موثق است و او را شخصی غالی خوانده‌اند (طوسی، ۱۴۲۷هـ.ق) که در برخی از روایاتش غلو و تخلیط وجود دارد (طوسی، ۱۴۲۰هـ.ق). همچنین او را فاسدالمذهب توصیف کرده‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵) و گفته‌اند که او جداً ضعیف است (ابن غضائری، ۱۳۸۰). وجود چنین شخصی آن هم به عنوان راوی قبل از امام (ع)، سبب ضعف سندی روایت و در نتیجه ضعف روایت است.

اولین راوی روایت بعدی، محمدبن یحیی العطار است که او را ثقه و عین توصیف کرده‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵). راوی بعد، عبدالله بن محمد بن عیسی معروف به بنان بن محمد است که در مورد او اطلاعات رجالی زیادی جز طبقه و راویان قبل و بعد او در دست نیست. گفته شده است که چون محمد بن احمد بن یحیی از او روایت نقل کرده و او را از زمره مشایخ خود دانسته و استثنا نکرده است، همین دلالت بر اعتماد به او دارد و حتی بعید نیست به همین سبب بتوان به وثاقتش حکم داد (استرآبادی، ۱۴۲۲هـ.ق، ۳/۹۷)؛ اما آیت الله خوئی پس از نقل این عبارت می‌گوید: «قبلاً در مقدمه کتاب گفته‌ام که با این استناد نمی‌شود به وثاقت یک راوی حکم داد» (خوئی، ۱۳۷۲، ۴/۲۷۳). ابن داود نیز او را «مهمل» توصیف کرده است (ابن داود حلی، ۱۳۸۳، ۷۴).

راوی بعدی علی بن حکم؛ ثقه و جلیل‌القدر توصیف شده است. (حلی، ۱۴۰۲هـ.ق). ابان بن عثمان که از اصحاب اجماع است نیز موثق است (کشی، ۱۴۰۴هـ.ق). عبدالرحمان بن سیابه راوی آخرین حدیث است که در کتب رجالی متقدم، وصف مصرّحی در مورد او دیده نمی‌شود؛ اما آیت الله خوئی با استناد به روایات منقول توسط او و همچنین روایات رجالی کشی به‌ویژه روایتی که در آن آمده امام صادق (ع) به او اموالی داد تا توزیع کند، می‌گوید: «امام صادق (ع) به او اعتماد داشته است و همچنین از روایات دیگر برمی‌آید که او به شرایع دینی ملتزم بوده است» (خوئی، ۱۳۷۲، ۱۰/۳۶۱).

براساس آنچه گفته شد، اگر نقل برخی در مورد وثاقت عبدالله بن محمد را بپذیریم، حدیث نقل شده از وی صحیح‌السند است؛ اما اگر او را مهمل بدانیم، حدیث در زمره روایات ضعیف قرار می‌گیرد. داوری موجود در کتاب مرآة العقول پیرامون این روایت، وصف «روایت مجهول» است (مجلسی، ۱۴۰۴هـ.ق، ۲۰/۳۰).

روایت بعد به واسطه وجود واسطی که مجهول است نیز در زمره احادیث ضعیف قرار می‌گیرد. روایت بعدی که به نظر می‌رسد بخشی از همان روایت منقول در کتاب المعیشه کافی است، به واسطه وجود محمد بن جمهور و مرفوع بودن از منظر سندی ضعیف است. آخرین روایتی که از کتاب کافی نقل شده نیز ضعیف‌السند است. دلیل این ضعف، وجود وهب بن وهب القریشی در سلسله سند آن است. این شخص با عنوان ابوالبختری شناخته می‌شود و براساس روایت منقول توسط کشی (که نقل می‌کند: «امام رضا (ع) در مورد حدیثی که در حضور ایشان از وهب بن وهب القریشی مطرح شد فرمود: به خدا و رسولش دروغ بسته است») و فضل بن شاذان که او را دروغگو توصیف کرده است (کشی، ۱۴۰۴هـ.ق) و همچنین نجاشی که همین وصف را برای او به کار برده است (نجاشی، ۱۳۶۵) موثق نیست.

روایان روایتی که صدوق در علل الشرائع آورده است عبارتند از: پدرش که موثق است (نجاشی، ۱۳۶۵)؛ سعد بن عبدالله که او نیز توثیق شده است (طوسی، ۱۴۲۰هـ.ق)؛ محمد بن حسین بن ابی الخطاب که ثقة و عین توصیف شده است (نجاشی، ۱۳۶۵)؛ محمد بن یحیی الخزار که او هم به وثاقت وصف شده است (حلی، ۱۴۰۲هـ.ق)؛ غیاث بن ابراهیم که گرچه زیدی بتری بوده (حلی، ۱۴۰۲هـ.ق) و او را فاسدالعقیده خوانده‌اند (ابن داود، ۱۳۸۳)، اما غالب رجالیون او را ثقة دانسته‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵)؛ حلی، ۱۴۰۲هـ.ق). با توجه به پیوستگی سند و وثاقت راویان، این حدیث از نظر سندی صحیح به شمار می‌آید.

روایت موجود در نهج‌البلاغه نیز چون سندی برای آن ارائه نشده و این شیوه سیدرضی در نقل مطالب نهج‌البلاغه بوده است، امکان بررسی سندی آن وجود ندارد، اما متن آن با روایت موجود در کافی قرابت دارد. همچنین سندی برای روایتی که از تحف‌العقول نقل شده، ذکر نشده است و فقط در بخش بررسی متنی بررسی گردیده است.

آخرین روایتی که ذکر شد، نقل موجود در کتاب قصص الأنبياء قطب راوندی است. علاوه بر سعد بن عبدالله و ابان بن عثمان که در سطور گذشته معرفی شد، روایانی دیگری برای آن نقل شده است که عبارتند از: یعقوب بن یزید که ثقة است (طوسی، ۱۴۲۷هـ.ق)؛ ابن ابی عمیر از اصحاب اجماع که موثق است (کشی، ۱۴۰۴هـ.ق)؛ محمد الحلی که به وثاقت توصیف شده است (نجاشی، ۱۳۶۵).

البته از قطب راوندی تا سعد بن عبدالله، روایان دیگری وجود دارند که در احادیث قبل تر در همان کتاب از آنان یاد شده است که دونفر از آن روایان، شیخ صدوق و پدرش هستند که سابقاً از وثاقت آنها سخن گفته شد و روایان دیگر عبارتند از: علی بن علی بن عبدالصمد نیشابوری که برای او در کتب رجالی، ترجمه‌ای ذکر نشده است و شیخ منتجب الدین در کتاب فهرست، او را فقیه، عالم و ثقة معرفی کرده است (منتخب الدین رازی، ۱۳۶۶)؛ علی بن عبدالصمد نیشابوری که در کتب رجالی، ترجمه‌ای از او ذکر نشده است، اما شیخ حرعاملی (۱۳۶۲، ۲/۱۹۲) در امل الآمل وی را عالمی فاضل معرفی کرده و گفته که ابن شهر آشوب از او نقل حدیث کرده است؛ علی بن حسین الجوزی که در کتب رجالی سخنی از او به میان نیامده، اما حرعاملی (۱۳۶۲، ۲/۱۷۹) او را با اوصافی همچون عالم، صالح و محدث یاد کرده است. با توجه به بررسی سندی روایان روایات ذکر شده، می‌توان گفت که از مجموع روایات نقل شده درباره همت زنان فقط دو روایت صحیح‌السند است و مابقی از منظر سندی ضعیف می‌باشد.

۲-۲. اعتبارسنجی روایات؛ بررسی متنی روایات ذکر شده در مورد همت زنان

مهمتر از بررسی سندی، بررسی متن حدیث است که می‌تواند اعتبار و مفهوم صحیح آن را معلوم سازد؛ چراکه ابزار سنجش سند نمی‌تواند به تنهایی متکفل اعلام وثاقت و یا ضعف حدیث شود. این ابزار ریشه در تاریخ دارند و مجهولات تاریخی نیز، بسیار است. در این بخش پژوهش به صورت تفکیکی با عرضه روایات بر قرآن، روایات معتبر و اصول عقلی و تجربه قطعی، محتوای روایات بررسی شد. در روایاتی که ذکر شد، همت زنان دو چیز معرفی شد: مردان؛ زینت‌طلبی و فسادانگیزی. بررسی متنی روایات نیز به دو بخش تقسیم می‌شود.

۲-۱. گروه اول روایات؛ خلقت زن از مرد و تأثیر آن در اهتمام زنان

در اغلب روایاتی که در آن، همّت زنان معطوف به مردان دانسته شده، دلیل آن نیز ذکر شده است. حتی چنانکه گفته شد، شیخ صدوق در کتاب علل الشرائع روایت خود را ذیل چنین عنوانی قرار می دهد: «علت اینکه همّت مردان به زنان معطوف شده است»، دلیل مطرح شده در روایت آن است که چون مرد از خاک خلق شده، همّتش معطوف به آن است و چون زن از مرد خلق شده است همّتش معطوف به مرد می باشد. به عبارتی ساده تر، آنچه باعث شده که اهتمام زنان، مردان باشند، آن است که زن از مرد خلق شده است. بنابراین، ضروری است این مطلب مورد بررسی قرار گیرد که آیا از منظر قرآن و روایات معتبر، زن از مرد خلق شده است؟

در پاسخ به سؤال فوق دو دیدگاه وجود دارد؛ دیدگاه اول آن است که خداوند ابتدا آدم را آفرید و سپس دنده ای از سمت چپ او جدا کرد و از آن دنده حوا را آفرید (طبری، ۱۴۱۲هـ.ق، ۴/۱۵۰). برخی تصریح کرده اند که آن دنده، از پست ترین دنده های آدم بوده است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹هـ.ق، ۳/۸۵۲). برخی تفاسیر شیعه نیز روایاتی با همین مضمون نقل کرده اند. عیاشی (۱۳۸۰، ۱/۲۱۵) از امیرالمؤمنین (ع) و طبرسی (۱۳۷۲، ۳/۶) حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آورده اند که خلقت حوا از دنده چپ و یا دنده پشت آدم بوده است. این گروه به آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (نساء: ۱) نیز استناد کرده اند.

دیدگاه فوق به دلایل مختلفی غیرقابل پذیرش است. اول اینکه در «خلق منها» در آیه فوق، «من» از نوع نشویه (طباطبایی، ۱۳۹۰هـ.ق، ۴/۱۳۶) و بیان جنس است (بلاغی، بی تا، ۲/۴)؛ یعنی خداوند زوجش را از جنس خودش و از یک منشأ آفرید؛ نه اینکه حوا را از آدم خلق کرد. از طرف دیگر، این گزارش عیناً نقل تورات است و می توان آن را در زمره اسرائیلیاتی به شمار آورد که در تفسیر قرآن وارد شده است. علاوه بر آن، شیخ صدوق در علل الشرائع در ضمن حدیثی طولانی از امام باقر (ع) سخنی را از ایشان نقل می کند که زراره از ایشان در مورد کیفیت خلقت حوا پرسید و گفت که عده ای می گویند خداوند حوا را از دنده چپ آدم آفرید. امام (ع) به خدا پناه برد و با تکذیب شدید این سخن، فرمود: «خداوند از آفرینش حوا ناتوان بوده است؟» (صدوق، ۱۳۸۵، ۱/۱۸).

دیدگاه دوم در مورد خلقت زن از مرد می‌گوید که خداوند ابتدا آدم را آفرید و سپس از اضافه گل او، حوا را خلق کرد. این دیدگاه توسط روایتی که از امام باقر (ع) نقل شده نیز تأیید شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۳/۶؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ۱/۲۱۶). دیدگاه دوم صراحتاً خلقت حوا از آدم را رد می‌کند. از طرفی در صورت پذیرش این دیدگاه، خلقت از اضافه گل، بیانگر فروتری زن نسبت به مرد نیست. آنچه واضح است، نادرستی دیدگاه اول و مغایرت آن با قرآن و روایات معتبر است (ر.ک.، اعرابی، ۱۳۸۷).

بنابر آنچه بیان شد، معلوم می‌شود که خلقت زن همچون مرد خلقتی جدید و بدیع بوده است. به عبارتی، زن و مرد هر کدام از یک ذات و گوهر آفریده شده‌اند، نه یکی از گوهر دیگری و نه به عنوان فرع و طفیلی دیگری، بلکه خداوند هر دو را از یک ذات آفریده است (جوادی‌آملی، ۱۳۹۰، ۱۷/۱۰۴). عبارت «ابتدع خلقاً» در روایت امام باقر (ع) نیز مؤید همین نظر است. همچنین آیاتی از قرآن، دلالت بر این دیدگاه دارد. برای مثال آیه «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ» (مؤمنون: ۱۲) که در آن واژه «الْإِنْسَانَ» آمده است. «ال» موجود در این واژه یا جنس استغراق است؛ یعنی همه انسان‌ها را از گل خلق کرده‌ایم که در این حالت مراد حاصل است، چون همه زنان و مردان را شامل می‌شود و یا جنس بیان حقیقت و ماهیت است؛ یعنی جنس انسان را از گل خلق کردیم. باتوجه به آیه اول سوره نساء که براساس آن جنس زن و مرد یکسان توصیف شده است، در این حالت نیز مدلول آیه یعنی، خلق شدگان از خاک، همه زنان و مردان را شامل می‌شود. به عبارتی، براساس این آیه، خلقت زن از مرد منتفی و خلقت هر دو از خاک به صراحت دریافت می‌شود.

نکته مهم و قابل ذکر اینکه عقل، فطرت و روح الهی است که انسان را از جانوران و موجودات دیگر متمایز کرده و وجه برتر انسانی است که در این موارد تفاوتی میان زن و مرد نیست. خداوند فطرتی الهی در وجود همه انسان‌ها به ودیعت نهاده (ر.ک.، روم: ۳۰) و از روح خود در آنها دمیده است (ر.ک.، ص: ۷۲). با این اوصاف عبارت خلقت زن از مرد را که دلیلی برای اهتمام زنان به مردان عنوان شده است، صرفاً می‌توان اینگونه بیان کرد: «خلقت زن از جنس مرد». این فهمی صحیح است، ولی با دیگر عبارات موجود در این روایات هم‌خوانی ندارد و آن عبارت خلقت مرد از زمین است. آنگونه که دانسته شد، خلقت مرد و زن از یک جنس بوده است درحالیکه روایات مذکور،

خلقت مرد را از زمین و خلقت زن را از مرد دانسته‌اند و به همین دلیل اهتمام زنان به مردان و اهتمام مردان به زمین معطوف شده‌است.

اگر اهتمام بیان شده در روایات را پذیرفته‌شده در نظر بگیریم، آنگاه باید علت ذکر شده را هم بپذیریم، درحالی‌که علت مذکور توسط آیات قرآنی و روایات معتبر قابل پذیرش نیست. باعنایت به وحدت جنسیت زن و مرد در خلقت، اگر بتوان آن را عاملی برای وجه همّت زن و مرد در نظر گرفت، در این صورت می‌توان گفت که همّت هر دو، زمین است و یا به همان اندازه که همّت زنان، مردان هستند به همان مقدار همّت مردان نیز زنان هستند، مگر آنکه وجه همّت - در صورت پذیرش این وجوه - دلیل دیگری داشته‌باشد که در آن صورت نیز متن روایات مورد بحث با چالش مواجه خواهد بود. در این روایات دو فرع و یک اصل وجود دارد. اصل آن است که خلقت مرد از خاک و خلقت زن از مرد بوده‌است. فرع اول اینکه به این دلیل، اهتمام مردان زمین و اهتمام زنان، مردان هستند و فرع دوم حبس و نگهداری زنان در منزل است. به عبارت دیگر، محتوای روایت این است که چون همّت زنان، مردان است، بنابراین آنها را در منزل نگاه دارید و حتی المقدور از خانه خارج نشوند. از آنجا که فرع دوم یعنی، حبس و حصر زنان مسئله پژوهش حاضر نیست و در آثار دیگری مورد بحث قرار گرفته‌است، از ورود به آن پرهیز می‌شود، لکن فرع اول به دلیل منتفی بودن دلیل آن که همان خلقت زن از مرد است، مخدوش به نظر می‌رسد.

۲-۲-۲. گروه دوم روایات؛ زنان و همّت آنها در زینت‌طلبی و فسادانگیزی

سه روایت باقی‌مانده که در آن از علت این همّت سخنی به میان نیامده و اجزاء روایت شباهت بیشتری به هم دارند، در کتاب کافی، تحف العقول و نهج البلاغه نقل شده‌است. البته نقل کافی و دو کتاب دیگر از نظر مهمت به متفاوت است، اما آنچه باعث شد نقل کافی در این قسمت مورد بررسی قرار گیرد، هم به جهت عدم ذکر دلیل برای آن است و هم عبارات قبل و بعد این عبارت که به نقل نهج البلاغه و تحف العقول نزدیک است. روایت نقل شده از کافی: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ السَّبَّاعَ هَمَّتْهَا التَّعَدَّى وَ إِنَّ الْبَهَائِمَ هَمَّتْهَا بَطُونُهَا وَ إِنَّ النَّسَاءَ هَمَّتْنَهُنَّ الرَّجَالَ وَ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ مُشْفِقُونَ خَائِفُونَ وَ جِلُونَ جَعَلَنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ مِنْهُمْ».

روایت نقل شده از تحف العقول: «إِنَّ الْبَهَائِمَ هَمَّهَا بَطُونُهَا وَإِنَّ السَّبَاعَ هَمُّهَا التَّعَدَّى وَالظُّلْمَ وَإِنَّ النِّسَاءَ هَمُّهُنَّ زِينَةُ الدُّنْيَا وَالْفَسَادُ فِيهَا وَإِنَّ الْمُؤْمِنِينَ مُشْفِقُونَ مُسْتَكِينُونَ خَائِفُونَ».

روایت نقل شده از نهج البلاغه: «إِنَّ الْبَهَائِمَ هَمَّهَا بَطُونُهَا وَإِنَّ السَّبَاعَ هَمُّهَا الْعُدْوَانُ عَلَى غَيْرِهَا وَإِنَّ النِّسَاءَ هَمُّهُنَّ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْفَسَادُ فِيهَا إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ مُشْفِقُونَ مُسْتَكِينُونَ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ مُشْفِقُونَ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ خَائِفُونَ».

با بررسی‌های انجام شده، مصدری جز تحف‌العقول برای خطبه ۱۵۳ نهج‌البلاغه یافت نشد و همانگونه که صاحب کتاب نهج‌السعادة فی مستدرک نهج‌البلاغه ذکر کرده است، احتمالاً منبع سیدرضی و تحف‌العقول یکی بوده است (محمودی، ۱۴۱۸هـ.ق، ۲/۲۵۱). البته ابن‌شعبه حرانی خود، سندی ارائه نداده است. شباهت جملات و فضای حاکم بر روایات این سه منبع، باعث شده برخی نقل سیدرضی، ابن‌شعبه و کلینی را یکی بدانند (حسینی، ۱۴۰۹هـ.ق، ۲/۳۴۳) که با تقطیع‌ها و یا تفاوت در تحمل روایت توسط راویان قبل و پس از آنها، تفاوت‌هایی بین این سه منبع به‌وجود آمده است. به‌همین سبب سه نقل موجود مقایسه می‌شوند. نقل موجود در تحف‌العقول و نهج‌البلاغه عیناً یکی است؛ جز عبارت مربوط به زنان، مابقی جملات موجود در نقل کلینی و تحف‌العقول نیز شباهت بسیار دارند.

مقابل متن کافی با تحف‌العقول، نشان می‌دهد که عبارت مربوط به زنان کاملاً متفاوت است و مابقی عبارات از مفاهیم نسبتاً یکسانی برخوردارند. پس از تطبیق این دو متن، می‌توان احتمالاتی را در نظر گرفت از جمله اینکه نقل موجود در کافی صحیح است و آنچه در تحف‌العقول و نهج‌البلاغه آمده، اعتباری ندارد؛ چراکه مضمون موجود در کتاب کافی در دیگر روایات نیز آمده است، اما برای نقل مقابل اینگونه نیست. احتمال دیگر اینکه به‌دلیل شباهت جملات قبل و بعد و صرفاً تفاوت در عبارت مربوط به زنان و اضطراب متنی، عبارت مربوط به زنان، توسط راویان - عمداً یا سهواً - بر متن افزوده شده است و بدین‌دلیل می‌بایست نادیده گرفته شود.

به‌جز موارد فوق، دو دلیل، استبعاد صدور این عبارت از معصوم (ع) - فارغ از بحث سندی که قبلاً ضعف آن مطرح شد - را تقویت می‌کند که دلیل نخست هم‌ردیف قرار دادن زنان با درندگان و حیوانات است. با در نظر گرفتن معیارهای فهم حدیث که

عبارات معطوف باید حاوی نقاط مشترک باشند، مشترک انگاشتن زنان ولو در معیاری حداقلی، با درندگان و حیوانات دور از شأن معصوم است (رسولی‌راوندی، ۱۳۹۴). دلیل دوم، جدا کردن زنان از مؤمنان است. در روایات مورد بحث آمده است که همّت زنان، مردان یا زینت دنیا و فساد در آن است و مؤمنان فروتن هستند و از خداوند می‌هراسند. این سخن بیانگر آن است که وجود مؤمنان در میان زنان، محتمل نیست و چنین امکانی وجود ندارد. به عبارتی دیگر، آنچه از ظاهر حدیث برداشت می‌شود آن است که زنان چنین همت‌هایی دارند و مردانی که مؤمن هستند از خداوند می‌هراسند. بدیهی است که این مقوله صحیح نیست و زنان مؤمنه فراوانی وجود دارند که مرتبه آنها از بسیاری از مردان نیز بالاتر است که قرآن کریم به این حقیقت تصریح کرده است (ر.ک.، تحریم: ۱۰-۱۱؛ آل عمران: ۴۲) و حضور واژه «مؤمنات» در کنار «مؤمنین» در آیات متعددی از قرآن، مؤیدی بر این سخن است و روایات متعددی در فضیلت زنانی چون حضرت خدیجه (س)، حضرت زهرا (س)، حضرت زینب کبری (س)، حضرت فاطمه معصومه (س) و غیره وجود دارد و از طرفی در عالم واقع بر کسی این موضوع پوشیده نیست و مورد تأیید همگان است.

نقطه تمایز انسان‌ها از یکدیگر، روح الهی اوست که فارغ از جنسیت در کالبد همه انسان‌ها دمیده می‌شود (ر.ک.، مؤمنون: ۱۴)، هر کس نیکوکار باشد چه مرد و چه زن سعادت‌مند خواهد شد (ر.ک.، نساء: ۱۲۴) و پاداش عملش را می‌بیند و حیاتی طیبه در انتظار اوست (ر.ک.، نحل: ۹۷). عمل هیچ‌کس چه زن و چه مرد تزیین نخواهد شد (ر.ک.، آل عمران: ۱۹۵) و تفاوت جنسیتی همچون تفاوت در رنگ و ملیت و اشکال ظاهری برای رفع نیاز انسان است و آنچه موجب برتری است، تقوای پیشگی است (ر.ک.، حجرات: ۱۳). قرآن کریم اساساً به تفکیک جنسیتی در خیر و شر باورمند نیست؛ چنانکه در قالب استفهامی توییخی و انکاری، ارزشمند بودن پسران و بی‌ارزش بودن دختران را نفی می‌کند (ر.ک.، نجم: ۲۱-۲۲). پس چگونه می‌توان پذیرفت که از منظر اسلام زینت‌طلبی و فساد در دنیا مختص به زنان و یا حتی غالب در زنان باشد؟ درحالی‌که قرآن کریم هم دختر و هم پسر را هدیه پروردگار توصیف می‌کند (ر.ک.، شوری: ۴۹). روایات متعددی نیز در منابع حدیثی وارد شده که گویای کرامت دختران و زنان و توصیه به نیکی و ارزش‌گذاردن به آنهاست. برای نمونه شیخ حر عاملی بابی در کتاب

خویش گشوده با عنوان باب مستحب بودن دختردار شدن و اکرام آنها. در این باب روایاتی که با این مضمون نقل شده‌اند را گردآوری کرده‌است (حرعاملی، ۱۳۶۲، ۲۱/۳۶۱-۳۶۳). همچنین در باب کراهت بد دانستن دختران، روایاتی جمع‌آوری شده که در واکنش به ناراحتی افراد از دختردار شدن و یا دختر داشتن وارد شده است و عبارات بسیار ارزنده‌ای در وصف دختران توسط ائمه اطهار (ع) در تلاش برای تغییر نگرش عموم مردم و حتی صحابه نزدیک به امامان معصوم (ع) به زنان در آن روایات به چشم می‌خورد. اوصافی همچون باقیات‌الصالحات، گلی خوش‌بو، حسنات، نازل‌کننده برکت و سوق‌دهنده به بهشت و... (حرعاملی، ۱۳۶۲، ۳۶۳/۲۱-۳۶۶).

با مطالبی که مطرح شد به سهولت می‌توان دریافت که انتساب شر، فساد و بدی به یک جنسیت چه زن و چه مرد با روح حاکم بر قرآن و روایات متعارض است و نمی‌توان یک جنسیت را به زینت‌طلبی و فساد وصف نمود و جنسیت دیگر را از آن میرا دانست.

نکته‌ای که در قالب یک احتمال می‌بایست طرح و پاسخ داده شود این است که ممکن است روایاتی این چنین ناظر بر شرایطی خاص بوده و اشاره به فرد و یا افراد خاصی داشته‌باشد که در این صورت می‌بایست آن را یک استثناء و نه یک قاعده محسوب کرد. در ارتباط با آنچه که در *تحف‌العقول* و *نهج‌البلاغه* آمده، این احتمال متفی نیست؛ چراکه به گفته ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴هـ.ق، ۹/۱۶۲). همچنانکه در ارتباط با عبارات ایراد شده است (ع) در خطبه هشتماد *نهج‌البلاغه* که در آن، اوصافی خاص از جمله نقص در عقل برای زنان مطرح شده است این احتمال وجود دارد؛ یعنی این روایات ناظر به قضیه شخصیه است نه حقیقیه (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۳۳۳)؛ چراکه سخنان دیگر حضرت علی (ع) در شرایط مختلف و سیره ایشان در رعایت کرامت زنان در حوزه‌های مختلف، با این توصیفات در تعارض است. چنانکه نقل شده ایشان پس از استماع شکایت سوده همدانی از بدرفتاری یکی از مأموران مالیاتی، حکم عزل وی را نوشت و به سوده داد تا خود به آن شخص برساند (قمی، ۱۴۰۳هـ.ق، ۱/۶۷۱). این رخداد، بیانگر اعتماد به زنان و قائل شدن نقشی اثرگذار در صحنه اجتماع برای آنان از سوی حضرت علی (ع) است. بنابراین، توصیفات که ذکر شد - در صورت اطمینان از صحت صدور - ممکن است ناظر بر شرایط خاص و افراد خاصی باشد که در آن زمان به سبب

عملکردشان مورد اعتراض امام (ع) بوده و مخاطب چنین اوصافی قرار گرفته‌اند. بنابراین، می‌توان احتمال داد که در روایات مورد بحث، مراد از نساء جنس زنان نبوده، بلکه فرد و یا افرادی از این جنس که موجب بروز فتنه و فساد شده‌بودند، باشد. با در نظر گرفتن این احتمال می‌توان گفت که تعارض محتوای این منقولات با قرآن و سیره معصومین از جمله خود حضرت علی (ع) در تعارض نبوده و قابل جمع است.

سخن آخر درباره وجه همت زنان اینک، تاریخ گواهی می‌دهد که کم نبوده و نیستند مردانی که همشان معطوف به زنان و جلب توجه و رضایت آنان بوده‌است. به عبارتی دیگر، آنچه مشاهده می‌شود آن است که عموماً این اهتمام به صورت طرفینی وجود دارد و کشش غریزی هر دو جنس چنین مطالبه‌ای دارد و دستورات فقهی و اخلاقی بسیاری برای هر دو جنس توسط شارع مقدس صادر شده تا این کشش و کوشش را به مسیری صحیح هدایت و هر دو طرف از مرزها تعدی نکنند. البته با توجه به تمایلات هر دو جنس، نوع این اهتمام‌ها و کوشش‌ها متفاوت است؛ همانگونه که حقوق و تکالیفشان متفاوت است. این ارتباط طرفینی و تأثیر متقابل در تمامی زمینه‌ها وجود دارد، چنانکه قرآن کریم زنان را چونان لباسی برای مردان و مردان را همچون پوششی برای زنان توصیف کرده‌است (بقره: ۱۸۷).

۳. بحث و نتیجه‌گیری

روایاتی که در آن از وجه همت زنان سخن به میان آمده‌است از منظر سندی ضعیف به‌شمار می‌آیند. رفع سندی و حضور راویانی مجهول، مهمل و در برخی موارد کذاب از مهم‌ترین اسباب ضعف سندی روایات مذکور است. مهم‌به زنان در روایات به صورت کلی دو چیز دانسته شده‌است: مردان، زینت دنیا و فساد در آن. از طرفی برخی روایات که در آنها مهم‌به اول ذکر شده به ذکر دلیل آن پرداخته‌اند؛ این دلیل، خلقت زن از مرد است. دلیل ذکر شده با آیات قرآن و روایات دیگر تعارض دارد؛ در روایاتی که از کیفیت خلقت زن سخن گفته شده در دو گروه قابل تقسیم است: گروه اول که بیانگر خلقت حوا از دنده چپ آدم است و گروه دوم که خلقت حوا را از همان گلی می‌داند که آدم از آن خلق شده‌است. دلیل ذکر شده در روایات همت زنان، با گروه اول

مطابقت مفهومی دارد که اساساً نادرست است. به سبب مخدوش بودن علت مذکور، معلول مطرح شده - اینکه همت زنان، مردان است - با چالش اعتبار محتوایی مواجه است. دومین متهم به زنان، زینت و فساد در دنیاست. این مطلب در *تحف العقول* و *نهج البلاغه* آمده که به احتمال قوی، اشاره به فرد خاصی داشته و از یک قاعده کلی سخن نمی گوید. در غیراین صورت، ذکر همت زنان هم ردیف با درندگان و حیوانات و از طرفی جداسازی صف مؤمنان از زنان در نقل مذکور، با آیات قرآن و روایات متعدد دیگر در تناقض است و صدور آن از معصوم (ع) بعید به نظر می رسد. زنان و مردان مکمل یکدیگرند و هر کدام می توانند حائز اوصاف نیک و یا ناپسندی باشند که پس از اعمال اختیاری آنها روشن می شود. اتصاف یک جنسیت به وصفی ناپسند و تعمیم آن به همه افراد آن جنسیت، نه با منطق قرآن و نه با سیره پیشوایان دین سازگار است و با توجه به واقعیات خارجی از منظر منطقی، عقلی و تجربی مخدوش است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۵). مترجم: الهی قمشه ای، مهدی. تهران: پیام حق.
۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (۱۴۰۴هـ.ق). شرح نهج البلاغه. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
 ۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمان بن محمد (۱۴۱۹هـ.ق). تفسیر القرآن العظیم. محقق اسعد محمدطیب. ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.
 ۳. ابن داود حلی، حسن بن علی (۱۳۸۳). کتاب الرجال. تهران: دانشگاه تهران.
 ۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴هـ.ق). تحف العقول. مصحح: غفاری، علی اکبر. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
 ۵. ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۳۸۰). الرجال. محقق: حسینی جلالی، محمدرضا. قم: دارالحدیث.
 ۶. استرآبادی، محمد بن علی (۱۴۲۲هـ.ق). منهج المقال فی تحقیق اهل الرجال. قم: مؤسسه آل البیت لإحياء التراث.
 ۷. اعرابی، غلامحسین (۱۳۸۷). نگاهی نو به روایات آفرینش زن از دنده چپ مرد. نشریه پژوهش نامه قرآن و حدیث، ۵، ۴۷-۵۸.
 ۸. بلاغی، محمدجواد (بی تا). آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن. قم: انتشارات وجدانی.
 ۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). زن در آئینه جمال و جلال. قم: انتشارات اسراء.
 ۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). تفسیر تسنیم. قم: نشر اسراء.
 ۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۲). امل الامل. محقق: حسینی اشکوری، احمد. قم: دارالکتاب الإسلامی.
 ۱۲. حسینی، عبدالزهراء (۱۴۰۹هـ.ق). مصادر نهج البلاغه و اسانیده. بیروت: دارالزهراء.
 ۱۳. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۲هـ.ق). رجال حلی. مصحح: بحر العلوم، محمدصادق. قم: شریف رضی.

۱۴. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۲). معجم رجال‌الحديث. بی‌جا: بی‌نا.
۱۵. رسولی‌راوندی، محمدرضا (۱۳۹۴). بررسی روایات امام علی (ع) در توصیف ویژگی‌های فردی زن. نشریه پژوهش‌نامه علوی، ۱۲(۶)، ۴۹-۸۸.
۱۶. سیدرضی، محمدبن‌حسین (گردآورنده) (۱۴۱۴هـ.ق). نهج‌البلاغه. محقق: صالح، صبحی. قم: هجرت.
۱۷. شاملی، عباسعلی (۱۳۸۰). منزلت زن در کلام امیرالمؤمنین (ع). نشریه مطالعات راهبردی زنان، ۱۱، ۲۴-۳۹.
۱۸. صابریان، علیرضا (۱۳۸۳). منزلت زن از منظر قرآن. نشریه انسان‌پژوهی دینی، ۲(۱)، ۹۳-۱۱۱.
۱۹. صدوق، محمدبن‌علی بن بابویه (۱۳۸۵). علل الشرائع. قم: کتاب‌فروشی دآوری.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰هـ.ق). المیزان فی تفسیرالقرآن. بیروت: مؤسسه‌العلمی‌للمطبوعات.
۲۱. طبرسی، فضل‌بن‌حسن (۱۳۷۲). مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن. مصحح: رسولی، هاشم. تهران: ناصرخسرو.
۲۲. طبری، محمدبن‌جریر (۱۴۱۲هـ.ق). جامع‌البیان فی تفسیرالقرآن. بیروت: دارالمعرفه.
۲۳. طوسی، محمدبن‌حسن (۱۴۲۰هـ.ق). فهرست کتب‌الشیعه و اصولهم. محقق: طباطبائی، عبدالعزیز. قم: مکتبه‌المحقق‌الطباطبائی.
۲۴. طوسی، محمدبن‌حسن (۱۴۲۷هـ.ق). رجال‌الطوسی. محقق: قیومی‌اصفهانی، جواد. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۵. عیاشی، محمدبن‌مسعود (۱۳۸۰هـ.ق)، تفسیرالعیاشی. مصحح: رسولی‌محلاتی، سیدهاشم. تهران: المطبعه‌العلمیه.
۲۶. قطب‌الدین‌راوندی، سعیدبن‌هبه‌الله (۱۴۰۹هـ.ق). قصص‌الأنبياء. مصحح: عرفانیان‌یزدی، غلامرضا. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۲۷. قمی، عباس (۱۴۰۳هـ.ق). سفینه‌البحار. بیروت: دارالتعارف.
۲۸. کدخدایی، محمدرضا (۱۳۹۵). خلقت زن در اسلام؛ فراتری یا فروتری. نشریه پاسخ، ۱۱(۱)، ۲۷-۵۴.
۲۹. کشی، محمدبن‌عمر (۱۴۰۴هـ.ق). اختیار معرفه‌الرجال. قم: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث.
۳۰. کلینی، محمدبن‌یعقوب (۱۴۰۷هـ.ق). الکافی. مصحح: غفاری، علی‌اکبر. تهران: دارالکتب‌الإسلامیه.
۳۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴هـ.ق). مرآة‌العقول فی شرح اخبار آل‌الرسول. تهران: دارالکتب‌الإسلامیه.
۳۲. محمودی، محمدباقر (۱۴۱۸هـ.ق). نهج‌السعادة فی مستدرک نهج‌البلاغه. مصحح: آل‌طالب، عزیز. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). نظام حقوق زن در اسلام. تهران: صدرا.
۳۴. منتجب‌الدین‌الدین‌رازی، علی‌بن‌عبدالله (۱۳۶۶). فهرست منتجب‌الدین. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی‌نجفی.
۳۵. نجاشی، احمدبن‌علی (۱۳۶۵). رجال‌النجاشی. محقق: شبیری‌زنجانی، موسی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.